سید آرش علوی:

من انتخابات آخر انجمن را انتخابات مطلوبی نمی‌بینم؛ به‌خاطر اینکه هنر در کارهای داوطلبانه این نیست که همه را همفکر و همسو داشته‌باشیم، حتی اگر سوگیری درست باشد. خوب است که تفکرات مختلف را بتوان پوشش داد و حداقل آنها را بشنویم؛ بعضی مواقع ممکن است اشتباه باشد؛ اقلیت بودنشان دلیل بر خطایشان نیست.



در گفت‌وگو(*) با سیدآرش علوی
عضو هیئت امنای انجمن بررسی شد

انتخابات انجمن و آینده پسته کشور

در شماره پیشین ماهنامه دنیای پسته بخشی از گفت‌وگو با سیدآرش علوی عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی کرمان و هیئت امنای انجمن پسته در خصوص ساختار و عملکرد اتاق بازرگانی و انجمن منتشر شد. در این شماره نظرات وی در مورد انتخابات، آینده انجمن و صنعت پسته را می‌خوانید.

شما به چه دلیل عضو انجمن شدید و خواسته‌تان چه بود؟

جواب من شاید با بقیه فرق داشته باشد؛ من کلاً به کار دسته جمعی علاقه دارم. فکر می‌کنم اگر بتوان نظر اکثریت را تأمین کرد، مشروعیت تصمیمات یا کاری که انجام می‌دهید بالاتر می‌رود. اگر آن چیزی که فکر می‌کنید را درست در جمع عرضه کنید و افراد را متقاعد کنید، کار مشروعیت پیدا می‌کند. متأسفانه خیلی وقت‌ها هم نمی‌توان این کار انجام داد.

انجمن پسته یک تشکل قوی است و به‌نظرمن پتانسیل بالایی دارد. عیب هم دارد، اما باید دید در واقعیت‌های امروز و در مقایسه با بقیه تشکل‌ها و انجمن‌ها و سندیکاها نکات مثبت و برتری‌های متعددی دارد. یک واقعیت این است که سنگ بنای آن خوب گذاشته شده‌است. واقعیت دیگر اینکه هیئت مدیره‌ای داشته که نظرات کل را در نظر گرفته‌اند. اختلافات در همه کارها پیش می‌آید و اصلاً چیز عجیبی نیست؛ اینکه اختلافات به چه صورت مدیریت شود قدرت آن تشکل را نشان می‌دهد. در انجمن‌ها، تشکل‌ها و گروه‌ها بعد از مدتی افتراق پیش می‌آید؛ خیلی مهم است که به چه صورت رفتار شود که اتفاقات در حداقل باشند. نمی‌توان آن را صفر کرد. در بُعد انجمنی به این قسمت علاقمند هستم که بتوان فعالین را جمع کرد و تشکلی قوی باشد و فکر نکنید اگر عضو آن تشکل هستید دارید وقت تلف می‌کنید و سیاهی لشکر هستید.

بعضی‌ها معتقد هستند انجمن باید کار خاصی برای اعضا انجام دهد و خدمات تعریف کند تا مقبول بیفتد.

بله تا حدودی درست است، اینکه همه همفکر باشند و مثل یک کلوپ که رفقا دور هم جمع می‌شوند و گروه‌هایی ایجاد می‌کنند، خوب است. اما زمانی که افراد با آرمان‌های مشترک یا نزدیک به‌هم جایی را تشکیل می‌دهند، اگر کاری جدی و موثر انجام ندهند دوام نمی‌آورند. اگر تشکل و سندیکایی قوی نباشد کسی برای آن ارزش قائل نیست. زمانی تشکل قوی وجوددارد، می‌گویند آقای رئیس تشکل بیا صحبت کن و نظر بده. انجمن پسته فارغ از اینکه انتقادات متعددی به آن وجوددارد که چرا تلاش زیادی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های حاکمیتی نمی‌کند، ولی مقبولیت دارد. بعضی جاها هم از شما دعوت نمی‌کنند، ولی اینکه در پسِ ذهنشان برای انجمن احترام قائل هستند موضوع ارزشمندی است. اینکه انجمن دنبال کدام کارها باشد پیچیدگی دارد؛ ممکن است ۱۰ سال دیگر از من سوال کنید بگویم خیلی استراتژی انجمن خوب بوده‌است، ولی به‌نظرم کم‌رنگ بودیم. به تصور من، انتظاراتی در بین اعضا وجوددارد و اگر من به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نتوانم این انتظار را برآورده کنم باعث دلسردی اعضا می‌شود؛ به‌عنوان مثال، در نتیجهٔ اختلاف، حق عضویت در انجمن پسته را پرداخت نمی‌کنند. بنابراین، یکی از مظاهر موفقیت تشکل، تعداد اعضا، تنوع اعضا و میزان مشارکتشان در انتخابات است. افرادی می‌آیند و در انتخابات مشارکت می‌کنند که علاقمند هستند.

الان موفقیت انجمن را از این بُعد چگونه می‌بینید؟

من انتخابات آخر انجمن را انتخابات مطلوبی نمی‌بینم؛ به‌خاطر اینکه هنر در کارهای داوطلبانه این نیست که همه را یکدست هم‌فکر و همسو داشته‌باشیم، حتی اگر سوگیری درست باشد. خوب است که تفکرات مختلف را بتوان پوشش داد و حداقل حرف آنها را بشنویم؛ بعضی مواقع ممکن است نظرات اشتباه باشد ولی صرف اقلیت بودنشان دلیل بر خطایشان نیست. وقتی این حس در بخشی از ذینفعان به‌وجود می‌آید که صدای ما شنیده نمی‌شود، باید برای ترمیم آن تلاش کرد. اشتباه پیش می‌آید، تفاوت در عقیده وجوددارد. در انتخابات همیشه بازنده داریم و بازندگان همیشه ناراحتند؛ چون طبیعتاً به انتظار رأی آوردن در انتخابات شرکت کرده‌بودند. اینکه کدام تفکر نهایتاً درست می‌گوید، در طولانی مدت خودش را نشان می‌دهد. باید سعی کرد در عین اینکه به‌هیچ گروه و تفکری باج داده نشود، زمینه منصفانه نیز ایجاد شود تا افراد مختلف بتوانند بیایند و نظرشان را مطرح کنند. آن زمان است که اعتبار انجمن بالا می‌رود.

در گذشته اعضای هیئت امنا و هیئت مدیره با سلام و صلوات انتخاب می‌شدند. چرا در انتخابات قبل روی انتخاب افراد اینقدر حساسیت پیش آمد؟

اول اینکه کلاً آدمیزاد موجود پیچیده‌ای است و این ربطی به مسائل سیاسی و پول ندارد. در زندگی شخصی می‌بینیم افراد برای یک چیز کوچک که اذیتشان کرده وقت و انرژی و تلاششان را صرف می‌کنند که انتقام بگیرند، جبران کنند، ضربه بزنند و یا اعاده حیثیت بکنند، درحالی که اصلاً ارزش ندارد که روی آن موضوع آنقدر تلاش کنند. بعضی اوقات رفتارمان باعث بروز یک واکنش در طرف مقابل می‌شود و طرف را می‌رنجانیم طرف و بعضی وقت‌ها غیرارادی است. طرف دوم وقت و هزینه می‌گذارد تا به طرف اول ثابت کند که اشتباه کرده‌است. البته مقدار بحث فرهنگی هم هست.

انتخابات آخر انجمن سالم سالم بود و بدون ذره‌ای خدشه انجام شد، ولی فضا فضای نرمالی نبود. هیچ‌کس در مورد سلامت انتخابات انجمن بحث ندارد. فکرمی‌کنم همه قبول داشته‌باشیم که می‌شد بهتر برگزار کنیم. مقبولیت افراد در انجمن نه پول و نه جایگاه سیاسی می‌آورد، اما برای من نوعی مانند سایر افراد مهم است. همین مهم بودن باعث می‌شود بعضی وقت‌ها دلخوری پیش آید. آدم‌ها خیلی وقت‌ها یک انتظاراتی دارند و نیاز دارند انتظارشان برآورده شود. اجازه دهید یک مثال عامیانه بزنم؛ ممکن است من به عروسی یکی از اقوام نزدیک دعوت نشوم و ناراحت بشوم و به‌دلیل ناراحتی اصلاً به مراسم نروم، ولی شخص دیگری هم بگوید احتمالاً میزبانان هر قدر نزدیک سرشان شلوغ بوده و حواسشان نبوده و یا یادشان رفته‌است که من را رسماً دعوت کنند و بدون تردیدی به مراسم برود. کدام شخص درست می‌گوید؟! اصلاً آیا عروسی رفتن اهمیت دارد؟ خیر، تازه اگر مهمان خوبی باشیم باید هزینه کادو هم بپردازیم. این موضوع دعوت و عروسی را صرفاً با کفه منفعت نمی‌توان سنجید. آدمیزاد موجود عجیبی است.

فرمودید عضویت در انجمن داوطلبانه است؛ هیچ برنامه و ایده‌ای هم در انتخابات توسط افراد ارائه نمی‌شود که بگوییم باعث رأی آوردن می‌شود. در این شرایط انتخابات چه محلی از اعراب دارد؟

دو تا نکته دارد؛ اول اینکه من زمانی که رأی دارم چه نیازی به برنامه دارم. زمانی برنامه مفهوم پیدا می‌کند که نیاز داشته‌باشید نشان دهید که از فلانی بهتر هستید. نکته دوم، ارائه برنامه برمی‌گردد به ماهیت کار؛ چه کسی برنامه داده، چه کسی چک کرده، چه کسی اجرا کرده، اصلاً برنامه در کشور کیلویی چند است؟! آیا برنامه چیز بدی است؟ نه نیست. برنامه‌ای که دیده نشود، سنجیده نشود و کسی نقدش نکند که برنامه نمی‌شود. اگر در انتخابات شرایط خاکستری باشد و گروهی برتری نداشته‌باشد، برنامه اهمیت پیدا می‌کند. مقداری هم بحث فرهنگی است. در ایران به برنامه خیلی اعتقادی نیست. به شخصیت و گروه و نظر و جمع رأی داده می‌شود و این خیلی مسئله متفاوتی است.

نظر و ایده‌ای هم وجود ندارد؟

من در این مورد با شما موافق نیستم.

(*) این گفت‌وگو در دی‌ماه ۱۴۰۱ صورت گرفته است.

به‌هرحال افراد از شخصی که نامزد می‌شود یک برداشت دارند و از دوستان و از مشتری‌ها و از معاشرینش یک برداشت دارند و به او رأی می‌دهند یا نمی‌دهند. مخصوصاً در انتخابات جاهای کوچک‌تر گفته می‌شود پدرش آدم خوبی بود. مهم است و این واقعیت زندگی است. گفته می‌شود این افراد با این تیپ افراد می‌چرخند، آدم‌های خوب یا بدی هستند. بعضی اوقات در رأی دادن یک موج ایجاد می‌شود که به این گروه رأی ندهید و به گروه دیگر رأی دهید. به‌هر صورت، رأی به لیست هم به‌نوعی تأیید یک تفکر و نظر است.

؟ اعضا در انجمن چگونه متوجه می‌شوند تصمیمات هیئت مدیره طبق ادعایشان بوده‌است؟

این مصداق ضرب‌المثل کار نیکوکردن از پُرکردن است. باید هر فردی که انتخاب می‌شود تلاش حداکثری داشته‌باشد برای انتقال جزئیات کارهایی که کرده و تصمیماتی که گرفته برای کسانی که به او رأی داده‌اند. چرا می‌گویم حداکثری؟ به‌خاطر اینکه شفافیت، سلامت و نقدپذیری کار را بالا می‌برد. هرچه مصوبات جلسه‌ها را علنی‌تر داشته‌باشید خطر اشتباه مهلک، خطر جانبداری و خطر فساد را کم می‌کند. شاید این موضوع در انجمن مصداق نداشته‌باشد، چون پولی در آن نیست. اما یک عیب پیش می‌آید و آن اینکه راه را برای بهانه‌گیری و قضاوت‌های سطحی باز می‌کند. مثلاً انجمن نشریه را ایمیل می‌کند و از طریق پست هم ارسال می‌شود. از طریق ایمیل ممکن است نگاه نکنم، ولی به آدرس پستی منزل ارسال می‌شود و مطالعه می‌کنم. عده‌ای هم برعکس من هستند؛ باید تلاش حداکثری را انجام بدهیم، ایمیل شود، فیزیکی بفرستیم و یادآوری بکنیم و خواهش بکنیم. اما حداقل یک نفر پیدا می‌شود که اگر تمام این کارها را هم انجام بدهید، نشریه را نمی‌خواند.

؟ اتاق بازرگانی ایران عملکرد فعالیت هیئت مدیره انجمن را ارزیابی می‌کند. نظر شما در مورد نتیجه این ارزیابی چیست؟



به‌نظرمن که ارزیاب کوچکی هستم، جمع کارهای مثبت و تأثیرگذار هیئت مدیره فعلی خیلی بیش از منفی آن است. این نظر فقط به‌خاطر معاشرت با دوستان انجمنی پدیدنیامده‌است. با دوستان انجمن‌های دیگر هم معاشرت کرده‌ام، با دوستان اتاق ایران هم معاشرت کرده‌ام و تشکل‌های دیگر را هم دیده‌ام. این نسبی است. هیچ روش بدون نقصی برای پیمایش کیفی افراد یا شرکت‌ها یا تشکل‌ها وجودندارد. برای سنجش هر کار کیفی باید یک روش داشته‌باشیم. این وسیله سنجش همیشه می‌تواند مشکلاتی داشته‌باشد، اما وجود مشکلات دلیلی بر این نیست که وسیله سنجش نگذاریم. باید تلاش کرد و بهتر و جامع‌تر عمل کرد. انجمن دارای محاسنی است که محاسن آن بیش از معایب است. آن معایب چه در گزارش اتاق باشد و چه نباشد باید تلاش کرد آنها را بهبود بخشید. در مورد ارزیابی عملکرد انجمن، به‌نظرمن با ارتباط بهتر با اتاق ایران یکسری محاسن انجمن را بهتر می‌توانیم نشان دهیم یا در شاخص‌های فعلی امتیاز بیشتری بگیریم و یا شاخص مهم دیگری را در ارزیابی وارد کنیم که اکنون جای آن خالی است. به‌نظرمن، انجمن عملکرد قابل قبولی دارد و در هر دو زمینه باید تلاش کند.

؟ شاید چند سال آینده استان کرمان به‌عنوان تولیدکننده اول پسته ایران نباشد. آیا این موضوع باید بر مکان و نوع فعالیت انجمن تأثیر بگذارد؟

در مورد بخش اول صحبت‌هایتان باید بگویم که این امر اجتناب‌ناپذیر است و این اتفاق خواهد افتاد، مگر اینکه یک اتفاق پیچیده‌ای رخ دهد. دلیلش هم روشن است؛ ما روش‌ها و عادت‌های بدی داشتیم که بعضی از آنها با قانون حمایت شده مثل مصرف آب و چیزهای دیگر که در اینجا به آسانی درست نخواهدشد و یا با هزینه بسیار بالایی انجام می‌شود، در جاهای دیگر با یک مقدار اصلاح و استفاده از تجربه‌ها کار می‌کنند، باغ‌ریزی‌هایشان بهتر است و برداشت‌های بهتری دارند. در مورد مکان انجمن، باید مکان انجمن پویا باشد. اگر این اتفاق نیفتد اشتباه است. سیرجان ۳۰ سال قبل از نظر تولید و تجارت کجا بود؟ زحمت کشیدند و کارکردند و از ۶ نفر صادرکننده نمونه پسته استان ۴ تا ۵ نفر آنها از سیرجان هستند. فقط بحث تجارت نیست، کشاورزی هم به همین صورت است. اگر سیرجان در انجمن نیاید و صدایی نداشته‌باشد آن انجمن چه‌طور انجمنی خواهدبود. اگر خراسان هم قوی شود که دارد می‌شود، طبیعتاً باید حضورش در انجمن منعکس شود، اگر نشود این انجمن نماینده کل صنعت نیست. اگر به صلاح است باید دفتر انجمن به مشهد، نیشابور و یا تهران منتقل شود، پس بهتر است بشود. مهم این است که اعضا حس خوبی داشته‌باشند و انجمن بهترین کارایی را داشته‌باشد. طبیعتاً انجمنی پویاست که درگیر این موارد نباشد و درگیر تفکر به نفع صنعت پسته باشد، در هر استانی که می‌خواهد باشد.